

بررسی زمینه‌های خشونت (علیه زنان) در خانواده

The Roots of Violence Against Women in the Family

T. Raisi. M.A. ✉

M. Hosseinchari. Ph.D.

طاهره ریسی ✉

کارشناس ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه شیراز

دکتر مسعود حسین‌چاری

عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه شیراز

دریافت مقاله: ۸۹/۵/۱۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۱۱/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۲۳

Abstract

The present research was aimed to investigate the roots of violence in Family. On the basis of the social learning theory, sociability of sexual role theory, and valuable sources theory, the degree of violence in the family in a sample of 400 married-women in Jiroft city was studied. As such, based on a survey method, and sample was collected through a multistage cluster sampling method who completed questionnaires.

✉Corresponding Author: Faculty of Social Sciences, University of Shiraz
Tel: +9809393134041
Email: raisi.tahereh2@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی زمینه‌های خشونت (علیه زنان) در خانواده است. این پژوهش بر اساس دیدگاه‌های یادگیری اجتماعی، نظریه منابع ارزشمند و نظریه جامعه‌پذیری نقش جنسی بر روی نمونه‌ای ۴۰۰ نفری از زنان متأهل شهر جیرفت، میزان خشونت علیه زنان را در خانواده‌هایشان مورد مطالعه قرار داده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به دست آمد.

✉نویسنده مسئول: شیراز، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز
تلفن: ۰۹۳۹۳۱۳۴۰۴۱
پست الکترونیکی: raisi.tahereh2@gmail.com

Results revealed that social capital, sexual relation quality, husbands' satisfaction of sexual relations, level of women's awareness of their rights, and husband educational degree, can explain up to 78.6 percent of total variance of dependent variable.

Keywords: Violence, Family, Women, Social capital.

نتایج نشان‌دهنده آن است که متغیرهای سرمایه اجتماعی، نوع رابطه جنسی، میزان رضایت جنسی شوهر از پاسخگو، آگاهی پاسخگو از حقوق خودش و تحصیلات شوهر پاسخگو به ترتیب توانسته‌اند ۷۸/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: خشونت، خانواده، زنان، سرمایه اجتماعی

رابطه سبک‌های دلبستگی و خشونت‌دیدگی در زنان

A Study on Relationship between Romantic Attachment Styles and Spouse Abuse

L. Panaghi, M.D.

دکتر لیلی پناغی ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

D. Pirozi

دارا پیروزی

کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی

Gh. Maleki

قیصر ملکی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک

M. Shirin Bayan

مینو شیرین بیان

کارشناس ارشد روان‌شناسی

F. Bagheri

فتانه باقری

کارشناس ارشد روان‌شناسی

دریافت مقاله: ۹۰/۳/۲۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۱۱/۱۰

پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۱۴

Abstract

Partner intimate violence is a known issue in all countries and cultures. The purpose of this study was to assess relation between partner intimate violence and romantic attachment style of women. To this end, 396 women who referred to Kermanshah Health centers were selected through convenience sampling and completed Spouse Abuse Questionnaire and Experiences in Close Relationships Scale.

✉Corresponding author: Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran
Tel: 098+29902389
Email: lpnaghi@yahoo.com

چکیده:

خشونت علیه زنان به وسیله همسران آنها، یک مسئله شناخته شده در تمام کشورها و فرهنگ‌های دنیاست. هدف این مطالعه بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و خشونت‌دیدگی در زنان می‌باشد. بدین منظور ۳۹۶ نفر از زنان ساکن در شهر کرمانشاه با روش نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب شده و پرسشنامه همسرآزاری قهاری (۱۳۸۴) و مقیاس تجارب مربوط به روابط نزدیک (ECR) را تکمیل کردند.

✉نویسنده مسئول: اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۸۹

پست الکترونیکی: lpnaghi@yahoo.com

Stepwise regression was conducted and revealed that two types of attachment style (attachment anxiety and attachment avoidance) were predictor for victimization of women ($p < 0.1$).

Results suggest that a woman's fear of abandonment and rejection and self-reliance in stressful times may be a risk factor for becoming a victim of violence.

Keywords: partner intimate violence, attachment styles, Romantic attachment.

تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که دو سبک دلبستگی (اجتنابی و اضطرابی) پیش‌بینی‌کننده انواع خشونت‌دیدگی در زنان است. یافته‌ها حاکی از آن است که ترس از جدایی و طرد شدن و همچنین تکیه بیش از حد بر خود در اوقات استرس، می‌تواند عامل خطری در جهت خشونت‌دیدگی زنان باشد.

کلیدواژه‌ها: خشونت علیه زنان، سبک‌های دلبستگی، دلبستگی رمانتیک

سوءاستفاده از سمت ریاست بر خانواده

Taking Advantage of the Position Held by the Head of the Family

H. Basiri, Ph.D. ✉

دکتر حمیدرضا بصیری ✉

فارغ التحصیل دکترای فقه و حقوق خصوصی از دانشگاه شهید مطهری

دریافت مقاله: ۸۹/۵/۱۶
دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۸/۴
پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۲۳

Abstract

Since determining the head of the family at the time of marriage contract is significant, in the Islamic Law, as well as, Iran's Civil law, supervising and running a home as a legal duty and obligation is bestowed on the head of the family. Such a position is not considered as a personal advantage, rather, it is a responsibility and executive duty. This requires the recognition of special rights for the head of the family without which the proper management of the family affairs would be impossible.

✉Corresponding Author: of Quranic and Tradition Sciences Allameh Tabatabaei University, Modiryat Bridge, Tehran, Iran .
Tel: +9802166708015
Email: basiri_hr@yahoo.com

چکیده

هم زمان با تشکیل خانواده، تعیین مقام ریاست بر آن اقدامی ضروری و مسلم است. زیرا خانواده مانند هر نهاد دیگر اجتماعی و بلکه به عنوان نهاد اولیه و سنگ بنای تشکیل جامعه از این قاعده مستثنا نیست. از این رو در حقوق اسلام و نیز قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، سمت ریاست بر خانواده به عنوان یک وظیفه و تکلیف قانونی در راستای سامان‌دهی به نظام خانواده، برعهده مرد قرار داده شده است. بنابراین جعل این سمت، یک مزیت یا امتیاز شخصی نبوده و درحقیقت ایجاد یک مسئولیت یا وظیفه‌ی اجرائی برای زوج است.

✉نویسنده مسئول: تهران، پل مدیریت، دانشگاه علامه طباطبایی (ره) گروه علوم قرآن و حدیث
تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۰۸۰۱۵
پست الکترونیک: basiri_hr@yahoo.com

However, the individual may be tempted to abuse these rights in the family interactions.

This study not only seeks the legal nature of the position held by the head of the family, but also investigates the prevention and solution to the problem.

Keywords: Head of the family, Position, Taking advantage of, Rights.

بدیهی است لازمه داشتن این سمت، اعطای حقوق و امتیازات خاصه برای سرپرست خانواده خواهد بود که بدون این حقوق ممتازه مدیریت وی بر خانواده ناممکن یا ناکافی است. بنابراین اعطای این حقوق، یک اعطای شخصی نبوده و به منظور بهره‌مندی در اداره‌ی صحیح امور خانواده به زوج واگذار شده است. با این همه، وجود این حقوق ممتازه باعث می‌شود تا بسیاری از مردان به سوءاستفاده از این حقوق، به ویژه در ارتباط با همسران خود وسوسه شوند. در این مجال، ماهیت حقوقی این سمت را از منظر سوءاستفاده‌های حقوقی بررسی کرده و نحوه پیشگیری و برخورد با آن را مورد ارزیابی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: سمت ریاست، خانواده، سوءاستفاده از حق، زوج، زوج.

تأثیر زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر سازگاری زناشویی

The Effect of Emotionally Focused Couple Therapy in Marital Adjustment

M. S. Ziaolhagh, M.A. ✉

مریم سادات ضیاءالحق ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

H. Hassan Abadi, Ph.D.

دکتر حسین حسن‌آبادی

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

B. Ghanbari Hashem Abadi, Ph.D.

دکتر بهرام‌علی قنبری هاشم‌آبادی

دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

M. Modares Gharavi, Ph.D.

دکتر مرتضی مدرس غروی

استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دریافت مقاله: ۸/۱۰/۸۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۵/۱۱/۹۰

پذیرش مقاله: ۲۱/۱۲/۹۰

Abstract

The high prevalence of couple discord and its impact on disruption of emotional and physical well-being of partners and their offsprings emphasizes the importance of strategies for treating conflicting and discord couples. The purpose of the present study was to investigate the effectiveness of Emotionally Focused Couple Therapy (EFT) on increasing marital adjustment.

چکیده:

شیوع ناسازگاری زناشویی و تأثیر آن بر سلامت جسمی و روحی زوجین و کودکان، باعث شده که متخصصان سلامت روان به حیطة زوج‌درمانی توجه ویژه‌ای داشته باشند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر افزایش سازگاری زناشویی زوجین ناسازگار انجام گرفته است. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، ۱۰ زوج (۲۰ نفر) بودند که به طور تصادفی در دو گروه درمان و لیست انتظار جای گرفتند.

✉Corresponding author: Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Azadi Square, Mashhad, Iran.
Tel: +9805118783008
Email: maryam.ziaolhagh@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد،

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

تلفن: ۰۵۱۱۸۷۸۳۰۰۸

پست الکترونیکی: maryam.ziaolhagh@gmail.com

Ten couples who were randomly allocated to treatment group and waiting list control group composed the sample. Couples in treatment group received 20 sessions EFT. All couples completed Dyadic Adjustment Scale (DAS) at pre and post treatment and at 2 months follow up.

Repeated Measure Analysis of Variance indicated that EFT increased marital adjustment significantly ($P > 0/001$). In addition, there was no significant difference between two groups from post-treatment to follow up stage. Findings indicate that EFT increased marital adjustment at the end of therapy but effects were not persistent over the time.

Keywords: Emotion Focused Couple Therapy, Marital adjustment, Discord couples.

زوج‌درمانی هیجان‌مدار در ۲۰ جلسه برای هر زوج گروه درمان اجرا شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه سازگاری زناشویی بود که در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پی‌گیری (دو ماهه) تکمیل گردید. نتایج این پژوهش توسط آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر تحلیل گردید. یافته‌های این پژوهش نشان دادند که زوج درمانی هیجان‌مدار بر افزایش سازگاری زناشویی زوجین تأثیر داشته است ($p < 0/001$). شواهد هم‌چنین نشان دادند که تفاوت معناداری بین گروه درمان و لیست انتظار، در مرحله پس‌آزمون تا پی‌گیری مشاهده نشد. یافته‌های این پژوهش بدین معنا است که زوج‌درمانی هیجان‌مدار سازگاری زناشویی زوجین را در پایان درمان افزایش داده، اما تداوم اثر آن در طول زمان تأیید نشده است.

کلیدواژه‌ها: زوج‌درمانی هیجان‌مدار، سازگاری زناشویی، زوجین ناسازگار

نقش درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر و پدر در انگیزش خودمختار و عملکرد تحصیلی فرزندان

The Role of Maternal and Paternal Involvement, Autonomy Support and Warmth on Adolescents` Self-Determined Motivation and Academic Achievement

F. Tanhaye Reshvanloo, M.A. ✉

E. Hejazi, Ph.D.

فرهاد تنهای رشوانلو ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

دکتر الهه حجازی

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۹۰/۴/۱۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۱۱/۸

پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۱۳

Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of maternal and parental involvement, autonomy support, and warmth on adolescents` self-determined motivation and academic achievement. For this reason 337 high school students were selected through multi-stage random sampling and completed Academic Motivation Scale (Vallerand et al, 1989), and Perception of Parents Scale (Robbins, 1994).

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر و پدر در پیشرفت تحصیلی فرزندان به واسطه انگیزش خودمختار است. به این منظور ۳۳۷ دانش‌آموز دبیرستانی به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و مقیاس‌های انگیزش تحصیلی (ولرند و همکاران، ۱۹۸۹) و ادراکات والدینی (رابینز، ۱۹۹۴) را تکمیل کردند.

✉Corresponding author: Headoffice of Education, West taleghani, Bojnourd, North khorasan.
Tel: +989157055480
Email: tanha@alumni.ut.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: خراسان شمالی، بجنورد، طالقانی غربی، اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی، گروه تحقیقات
تلفن: ۰۹۱۵۷۰۵۵۴۸۰
پست الکترونیک: tanha@alumni.ut.ac.ir

The data from path analysis indicated that maternal involvement, and parental autonomy support and maternal, paternal and parental warmth via mediating the self-determined motivation had indirect effects on academic achievement. The results confirmed the mediating role of self-determined motivation between parenting styles and academic achievement.

Keywords: involvement, autonomy support, warmth, self-determined motivation, academic achievement.

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که درگیری مادر، حمایت از خودمختاری پدر و والدین و گرمی مادر، پدر و والدین به واسطه انگیزش خودمختار اثر غیرمستقیم بر پیشرفت تحصیلی دارند. نقش واسطه‌ای انگیزش خودمختار تحصیلی میان ادراک از شیوه فرزندپروری (مادر، پدر و والدین) و پیشرفت تحصیلی به تأیید رسید.

کلیدواژه‌ها: درگیری، حمایت از خودمختاری، گرمی، انگیزش خودمختار تحصیلی، پیشرفت تحصیلی

بررسی رابطه بین جدایی روان‌شناختی با سبک‌های هویتی دانشجویان

Investigating The Relationship Between Psychological Separation and Identity Styles

Sh.vahedi, Ph.D.

J. Fathabadi, Ph.D. ✉

A. A. Fathi

دکتر شهرام واحدی

دانشیار دانشگاه تبریز

دکتر جلیل فتح‌آبادی ✉

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

آیت‌اله فتحی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی

دریافت مقاله: ۸۹/۴/۵
دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۹/۲۸
پذیرش مقاله: ۹۰/۱۱/۱۵

Abstract

The aim of the study was to investigate the relationship between psychological separation and identity styles in college students. 204 undergraduate students were selected through random cluster sampling. All participants were asked to complete Psychological Separation Inventory (PSI) and Identity Styles Inventory (ISG).

In order to analyze the data, stepwise multiple regression method and canonical correlation were utilized.

✉ Corresponding Author: Psychology Group Education and Psychology Department Shahid Beheshti University
Tel: +982129902346
Email: j-fathabadi@sbu.ac.ir

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین جدایی روان‌شناختی و سبک‌های هویتی دانشجویان انجام گرفت. در مطالعه مقطعی حاضر، ۲۰۴ دانشجوی کارشناسی ترم اول دانشگاه تبریز با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده و پرسشنامه‌های سبک هویتی برزونسکی و جدایی روان‌شناختی هافمن را تکمیل کردند.

رای ارزیابی روابط بین مقیاس‌های فرعی سبک‌های هویتی و خرده‌مقیاس‌های جدایی روان‌شناختی (استقلال‌نگرشی، هیجانی، تعارضی و کنشی) از تحلیل همبستگی کانونیک بهره گرفته شد.

✉ نویسنده مسئول: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۴۶
پست الکترونیکی: j-fathabadi@sbu.ac.ir

Significant gender differences in some of subscales of Functional, Emotional, and Attitudinal Independence were found; boys were significantly scored higher than girls. Attitudinal independence from father and emotional independence from mother, and functional independence of mother were strongest predictors of informational identity style among female and male students, respectively. The attitudinal and functional independence of father for girls and attitudinal independence from mother and emotional independence from father for boys can negatively predict changes of normative identity style. Furthermore, conflicting and emotional independence of mother can predict avoidance style of girls. These findings could be used in educational and psychological interventions for students in the context of Iranian culture.

Keywords: psychological separation, independence, identity styles, adolescents.

نتایج تحلیل نشان دادند که ابعاد استقلال هیجانی، نگرشی و کنشی در بین دانشجویان دختر و پسر به طور معناداری متفاوت بوده و این تفاوت‌ها به سود پسران می‌باشد. همچنین در بین دختران، استقلال نگرشی از پدر و استقلال هیجانی از مادر و در بین پسران استقلال کنشی از مادر مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های سبک هویت اطلاعاتی بودند. مؤلفه‌های استقلال نگرشی و کنشی از پدر نقش پیش‌بینی‌کننده منفی در سبک هویتی هنجاری دانشجویان دختر و استقلال نگرشی از مادر و هیجانی از پدر، سبک هویتی هنجاری دانشجویان پسر را به صورت منفی پیش‌بینی کردند. علاوه بر این، استقلال هیجانی و تعارضی از مادر می‌تواند سبک هویت اجتنابی را در دانشجویان دختر تبیین نماید. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای جهت برنامه‌ریزی مداخلات آموزشی و روان‌شناختی در بین دانشجویان با توجه به فرهنگ ایران مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: جدایی روان‌شناختی، استقلال، سبک‌های هویتی، جوانان

چالش مداخلات: تا چه اندازه هر یک از مداخلات آموزش مدیریت والدین،
نروفریدبک، و ریتالین بر بهبود اختلال بیش فعالی/نقص در توجه
و شاخص استرس والدینی تأثیر دارند

**Challenge of Interventions: To What extent Parental Management
Training, Neurofeedback, and Stimulant therapy (Ritalin) Improve
AD/HD and Parental Stress Index**

M. Jadidi, Ph.D. ✉

✉ دکتر محسن جدیدی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرگز، گروه روان‌شناسی، بندرگز، ایران

M. M. Shamsaee

محمد مهدی شمسایی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرگز، گروه روان‌شناسی، بندرگز، ایران

M. M. Mazaheri, Ph.D.

دکتر محمد مهدی مظاهری

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

K. Khoushabi, Ph.D.

دکتر کتایون خوشابی

دانشیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

N. A. Farrokhi, Ph.D.

دکتر نورعلی فرخی

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۱۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۸/۴

پذیرش مقاله: ۹۰/۱۱/۱۶

Abstract

This research designed to evaluate and compare effectiveness of stimulant therapy (Ritalin), neurofeedback, and parental management training on improving Attention Deficit/Hyperactivity Disorder (ADHD), and parental stress index. This is a pseudo-experimental research with pretest-posttest design.

✉Corresponding author: Department of Psychology, Bandargaz Branch, Islamic Azad University, Golestan, Iran.
Tel: +9809123000074
mail: jadidi@bandaegaziau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر به منظور مقایسه اثربخشی شیوه‌های درمانی ریتالین، نروفریدبک و آموزش مدیریت والدین بر بهبود اختلال کمبود توجه/بیش فعالی و شاخص‌های تنیدگی والدینی انجام شده است. این پژوهش بر حسب هدف و مداخلات، از نوع پژوهش شبه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون سه گروهی بدون کنترل می‌باشد.

✉نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرگز، گروه روان‌

شناسی، بندرگز، ایران

شماره تماس: ۰۹۱۲۳۰۰۰۷۴

پست الکترونیکی: jadidi@bandaegaziau.ac.ir

Statistical population includes ADHD children of Tehran; 30 subjects selected randomly from clients of a professional child psychiatric/psychological clinic, and then assigned into 3 intervention groups based on objectives of the study. The subjects were measured by Connor's Parenting Scale-48 and Parental Stress Index before and after the interventions. Recruited data analyzed in two sections of descriptive and inferential statistics. Findings of the research revealed that there was significant difference in concentration and hyperactivity index of ADHD children between groups, indicating that Ritalin was more effective than PMT, and neurofeedback; there was no significant difference between them on impulsivity index. Also PMT and Ritalin were more profitable in improvement of reinforcing subscale than neurofeedback; and there was no significant difference between the treatments on parental attachment.

Keywords: ADHD, Ritalin, Neurofeedback, PMT, Parental Stress Index.

جامعه آماری پژوهش، شامل کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی/نقص توجه (ADHD) ساکن شهر تهران می‌باشند. از بین مراجعه‌کنندگان به کلینیک تخصصی روان‌پزشکی کودک، سی کودک مبتلا به‌صورت تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب و بر اساس اهداف پژوهش در سه گروه درمان ریتالین، درمان نروفیدبک و کودکانی که والدین آن‌ها تحت آموزش مدیریت والدینی قرار گرفتند گماشته شدند؛ قبل و بعد از ارائه درمان توسط مقیاس درجه‌بندی کانرز (فرم ۴۸ سؤالی والدین، CPRS-48) و شاخص تنیدگی والدینی (PSI) مورد ارزیابی و اطلاعات به‌دست آمده به‌وسیله آمار استنباطی و روش MANCOVA تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بین اثربخشی سه روش ریتالین، آموزش والدین و نروفیدبک تنها در دو مقیاس توجه و تمرکز و شاخص بیش‌فعالی آزمون کانرز کودکان ADHD تفاوت معنادار مشاهده گردید، به‌نحوی که درمان ریتالین اثربخش‌تر از آموزش مدیریت والدین بود و بین اثربخشی سه روش ریتالین، آموزش والدین و نروفیدبک در شاخص تکانش‌گری تفاوت معناداری مشاهده نگردید. همچنین در خصوص اثربخشی سه شیوه درمانی بر بهبود شاخص تقویت‌گری و دلبستگی والدگری، آموزش مدیریت والدین و ریتالین نسبت به نروفیدبک اثربخشی بیشتری در شاخص تقویت‌گری داشتند و تفاوت معناداری بین اثربخشی سه گروه در شاخص دلبستگی والدگری مشاهده نگردید.

کلیدواژه‌ها: اختلال بیش‌فعالی/نقص توجه؛ ریتالین؛ نروفیدبک؛ آموزش مدیریت والدین؛ شاخص تنیدگی والدگری